

آمین قضاوت در اسلام



www.ketab.ir

مجمع عالی قضا
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

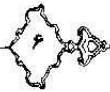
سرشناسه	صافی گلپایگانی، لطف‌الله.
عنوان و نام پدیدآور	: آیین قضاوت در اسلام / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۵۰۳ ص.
شابک	: ۵ - ۱۰ - ۷۸۵۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸ : ۲۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
یادداشت	: نمایه
موضوع	: قضاوت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: قضاوت (فقه)
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ آ ۲ ص / ۱۹۵/۱ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۳۷۱۶۱

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی دفتر تنظیم و نشر آثار

- | | |
|-----------------|---|
| نام کتاب: | ■ آیین قضاوت در اسلام |
| مؤلف: | ■ حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف |
| به کوشش: | ■ محمدرضا محمدی (بیرجندی) و جمعی از همکاران |
| چاپ اول: | ■ ۱۴۳۷ ربیع الثانی / زمستان ۱۳۹۴ |
| شمارگان: | ■ ۳۰۰۰ |
| بها: | ■ ۲۵۰۰۰ تومان |
| شابک: | ■ ۵ - ۱۰ - ۷۸۵۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸ |
| سایت الکترونیک: | ■ www.saafi.net |
| پست الکترونیک: | ■ saafi@saafi.net |
| آدرس پستی: | ■ قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱ |
| تلفن: | ■ ۳۷۷۲۳۳۸۰ (۰۲۵) |

فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه ناشر
۱۴.....	مفهوم قضا
۱۶.....	اهمیت منصب قضا
۱۸.....	شرایط و صفات قاضی
۲۱.....	شرایط و صفات قاضی از نگاه امام علی (ع)
۲۱.....	شرایط و آداب قاضی هنگام قضاوت
۲۴.....	خطرهای امر قضاوت
۲۷.....	پیش گفتار
۳۵.....	مسائل مربوط به قانون مجازات اسلامی
۳۷.....	کلیات
۳۷.....	جرائم
۴۴.....	تکرار مجازات برای یک جرم



۴۴	 مجازات جایگزین
۴۶	 مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی
۵۱	 تخفیف مجازات
۵۴	 آزادی مشروط زندانیان
۵۴	 شرکاء و معاونین جرم
۵۴	 تعدد جرم
۵۷	 حدود مسئولیت جزایی
۶۲	 مقدار مسئولیت زیان‌زننده
۶۳	 احکام شوراهای حل اختلاف
۶۴	 اعمال تبعیض نسبت به یکی از طرفین دعوی
۶۵	 مسائل مربوط به حدود
۶۷	 حد زنا
۶۷	 تعریف و موجبات حد زنا
۷۰	 راه‌های ثبوت زنا در دادگاه
۷۸	 اقسام حد زنا
۹۲	 کیفیت اجرای حد
۹۷	 نحوه رسیدگی به پرونده‌های کیفری منافی عفت
۹۹	 حکم ازاله بکارت
۱۰۰	 حد لواط
۱۰۰	 موجبات حد لواط
۱۰۱	 راه‌های ثبوت لواط در دادگاه
۱۰۲	 مساحقه
۱۰۲	 قوادی
۱۰۴	 قذف
۱۰۷	 شرایط اجرای مجازات شلاق

مقدمه ناشر

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

قوام، پایداری و سلامت یک جامعه در گرو سلامت و دقت در امر قضا و داوری آن جامعه است، مردم و ملتی از یک مدنیت سالم برخوردارند که آن حکومت دارای نیروی زبده، قوی، امین، مقتدر، مستقل و با صلابت قضایی باشد؛ مجتهدانی عالم و آگاه بر مسند قضاوت بنشینند حق را به خوبی تشخیص دهند و بشناسند و به حق داوری نمایند؛ امنیت و ثبات اقتصادی و اعتماد مردم برای



سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی همه‌وهمه وابسته به توان و سلامت دستگاه قضا است، مردم باید بدانند که از جان و مال و عرض آنها در برابر تجاوز به احسن وجه حراست می‌شود و هرگز به خلافکاران و تبهکاران فرصت تکرار خطا داده نمی‌شود و خطاکاران نیز بدانند که چه عواقب و مجازاتی در انتظار آنهاست علی‌ای‌حال در صورت دادخواهی از ضعفا و مظلومین، عدالت و اعتماد در جامعه گسترش خواهد یافت که لازمه یک امت بیدار و زنده است؛ چرا که فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ «و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگی است، باشد که به تقوا گرایید».

نظر به این که منصب قضایی از مهمترین مسئولیت‌ها و مناصب در نظام و حکومت اسلامی است در حد وسع و مجال، به بررسی برخی از سرفصل‌های امر قضا می‌پردازیم.

مفهوم قضا

قضا در لغت به معانی مختلف آمده است از آن جمله می‌شود به: حکم،^۲ قطع، فصل،^۳ فراغ، داء، صنع، امر و تقدیر،^۴ فرمان دادن و حکم کردن، رسانیدن حاجت

۱. بقره، ۱۷۹.

۲. فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۸۵؛ ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۱۷۵.

۳. ابن اثیر، النهایه، ج ۴، ص ۷۸.

۴. رازی، مختار الصحاح، ص ۲۷۸.

و تمام کردن و روا گردانیدن^۱ و... اشاره نمود. ابن منظور می نویسد قضا در لغت دارای وجوهی است که برگشت همه به همان انقطاع و تمام شدن شیء می باشد؛^۲ و شهید ثانی می فرماید: قضا بدان سبب قضا نامیده شده است که قاضی خصومت را ختم و تمام می کند.^۳

در اصطلاح فقها و علما نیز دارای تعاریف متعدد است، - گرچه بعضی از این تعاریف جامع و مانع نیستند که پرداختن به آن جایگاه دیگری را می طلبد- از آن جمله: شهید اول در کتاب «الدروس الشرعیة» می فرماید: قضا ولایت شرعی است از طرف امام^ع برای حکم در مصالح عمومی.^۴ شهید ثانی در کتاب «الروضة البهیة» می نگارد: قضا حکم نمودن بین مردم و فصل خصومت بین آنها و اثبات ادعای مدعی و یا حکم به محکومیت مدعی علیه و نفی حق از اوست.^۵ مرحوم نراقی در کتاب «مستند الشیعه» می گوید: قضاوت ولایت خاص در واقعه مخصوص و بر عهده فرد مخصوص است تا آنچه که موجب عقوبت شرعی یا حقی از حقوق مردم است اثبات شود البته پس از نزاع دو طرف یا پس از انکار

-
۱. دهخدا، لغتنامه، ج ۱۱، ص ۱۷۶۱۹.
 ۲. ابن منظور، لسان العرب ج ۱۵، ص ۱۸۶.
 ۳. شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱۳، ص ۳۲۵.
 ۴. شهید اول، الدروس الشرعیة، ج ۲، ص ۶۵.
 ۵. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۳، ص ۶۱. «کتاب القضاء: أی الحكم بین الناس».



یکی از آن دو انجام می‌گیرد.^۱ فاضل آبی می‌نویسد: قضا در اصطلاح حکم نمودن بین مردم بر وجه شرعی است برای کسی که اهلیت حکم را دارا باشد.^۲ مرحوم طباطبائی یزدی می‌فرماید: قضاوت، دادرسی میان مردم به هنگام نزاع و درگیری و مرتفع نمودن خصومت‌ها و پایان دادن موضوع اختلاف میان آنان است.^۳ و نیز دیگر فقها مانند فاضل هندی، محقق اردبیلی و محقق سبزواری^۴، تعریف‌هایی قریب به این معنا دارند.

اهمیت منصب قضا

قضاوت بالذات و بالأصله حق خداوند متعال است، چنانچه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَنْصُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾^۵ «دوری و فرمان تنها از آن خدا است، او حق را از باطل جدا می‌کند و بهترین جداکننده (حق از باطل) است»^۶ و در سوره شوری می‌فرماید: ﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ﴾^۷ «در هر چیزی که اختلاف کنید داوریش با

۱. نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۷، ص ۷.

۲. فاضل آبی، کشف الرموز، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳. طباطبائی یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲.

۴. فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱۰، ص ۵. اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۲، ص ۵.

سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۲۶۱.

۵. انعام، ۵۷.

۶. شوری، ۱۰.

خداوند است». که برابر براهین آشکار عقلی و نقلی به پیامبران معصوم علیهم السلام اعطا شده است، خداوند متعال در سوره حدید می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند»؛ و نیز در سوره نساء آمده است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ خَصِيمًا﴾^۲ «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و زنهار جانبدار خیانتکاران مباش»؛ و در سوره ص، می خوانید: ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۳ «ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن، و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند»؛ البته انبیای دارای منصب قضا در قرآن فراوانند؛ مانند: حضرت نوح، ابراهیم، اسحاق، اسماعیل، الیاس، الیسع، ایوب، زکریا، سلیمان، عیسی، لوط، موسی، یحیی، یعقوب، یوسف و یونس^۴.

۱. حدید، ۲۴.

۲. نساء، ۱۰۵؛ و نیز آیات: ۶۵ سوره نساء؛ ۴۲، ۴۸ - ۴۹ سوره مائده؛ ۵۱ سوره نور و

۳. ص، ۲۶.

۴. انعام، ۸۳-۸۹.